

نهال‌هایی بوده‌اند که آقای دکتر در مسافرت‌هایش از نقاط گوناگون جهان گرد آورده است.

برای مثال، درخت بزرگ وسط حیاط، درخت کاج کمیابی است که میوه‌های خوردنی دارد.

در میان این باغ فرح‌بخش مجموعه‌ای از جانوران خوش‌بخت زندگی می‌کنند؛ پرندگان زیبای کمیاب، طوطی‌های سخن‌گو، طاووس‌های سفید، مرغ‌های عشق و آهویی که در اثر حادثه‌ای پاهایش را از دست داده و به خواسته دکتر برایش ویلچر مخصوصی ساخته‌اند تا بتواند در باغ گردش کند. در انتهای حیاط سنگ قبری کوچک دیده می‌شود که نوشته‌هایی به زبان فرانسه دارد. اینجا قبر خروسی به نام «جی‌جی» است که ۱۰ سال تمام سحرها برای آقای دکتر قوقولو قوقو کرده بود. در یک طرف درختی دیده می‌شود که از سقف و کف اتاق‌های یک ساختمان سه طبقه عبور کرده است. چون آقای دکتر دلش نیامده برای ساختن بنا، جان آن را بگیرد. از فضای روح‌بخش منزل که بگذریم، اتاق‌های خانه از یادگارهای ارزشمندی سرشارند که هر کدام بازگوکننده گوشه‌ای از زندگی پرفراز و نشیب صاحب خود هستند:

■ دیوان حافظ قدیمی که میان غزل‌هایش پر از دست‌نوشته‌های دکتر است. هر بار که به غزلی مراجعه و درباره‌اش می‌اندیشیده، تاریخش را بالای آن صفحه ثبت می‌کرده تا یادش باشد چند بار به هر غزل پرداخته است.

■ مجموعه‌ای از عینک‌های ته‌استکانی که روزگاری همچون پنجره‌هایی کوچک ارتباط چشمان کنجکاو دکتر را با رازها و شگفتی‌های جهان برقرار می‌کردند.

■ وسایل شخصی از قبیل ماشین اصلاح، کیف مخصوص پول خرد و ساعت، تقویم رومیزی و... که هر کدام حرف‌هایی برای گفتن دارند و با کمی دقت می‌توان صدای آن‌ها را از پس دیوار زمان شنید. در میان آن اتاق‌های ساکت و ساده، سالن پذیرایی نسبتاً بزرگی قرار دارد که ۲۰ سال و اندی محل تشکیل جلسات هفتگی دکتر و دوستان و هم‌دلان

نگاهی به موزه زنده یاد دکتر محمود حسابی

میهمان خانه حسابی

نامی از خویش در جهان بگذار / زندگانی برای مردن نیست

مردان و زنان نامدار همچون قله‌های رفیعی هستند که یک سر و گردن از کوه‌های اطراف خود بلندترند و با زلال دانش و معرفت خود به دامنه‌های پایین دست، زندگی می‌بخشند. این قله‌های با شکوه، بزرگ به دنیا نمی‌آیند، بلکه بزرگی را با همت و اراده خویش به چنگ می‌آورند. ارتفاع ستودنی آن‌ها، چون آرزویی دست‌نیافتنی دل کوه‌نوردان جهان را در همه دوران‌ها آکنده از اشتیاق صعود می‌کند و الگویی می‌شوند برای کسانی که آرزوهای بزرگ در سر دارند.



نمایش اشیای قدیمی نیست. در فضای آن هنوز زندگی جریان دارد و با کمی دقت می‌توان زمزمه‌های مردی را شنید که مشغول نجاری است و دور تا دور حیاط وسیع و پردرخت خانه نرده‌های چوبی نصب می‌کند تا مادر سالخورده‌اش موقع قدم زدن به آن‌ها تکیه کند. در چند جای دیوار حیاط، آجرهایی را در آورده‌اند تا جای خالی آن‌ها استراحتگاه یا آشیانه‌ای باشد برای پرندگان مهاجر. اغلب درخت‌های تناور امروز حیاط،

استاد محمود حسابی یکی از این قله‌هاست که در ایام کودکی و نوجوانی، سخت‌ترین شرایط را پشت‌سر گذاشت و خود را از میان خاکسترهای زندگی بالا کشید. آشنایی با زندگانی این مرد بزرگ به کتاب جداگانه‌ای نیاز دارد. در اینجا فقط نگاهی انداخته‌ایم به گوشه‌هایی از خانه‌ای که سرشار از یادگارهای گران‌بهای اوست و به موزه تبدیل شده است. موزه پروفیسور حسابی برخلاف بسیاری از موزه‌های دیگر، فقط محل

در یک نگاه

محمود حسابی در سوم اسفند ۱۲۸۱ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. پدرش سیدعباس معزالسلطنه و مادرش گوهرشاد حسابی هر دو اهل تفرش و از سادات تفرش بودند. او در چهار سال اول دوران کودکی‌اش را در تهران گذراند. در هفت‌سالگی تحصیلات ابتدایی خود را با تنگدستی در بیروت آغاز کرد. چون پدرش کارمند کنسولگری ایران در بیروت بود، به دلایلی او و مادرش را در آنجا ترک کرده و خود به ایران بازگشته بود. محمود در آن دیار غریب تعلیمات مذهبی و ادبیات فارسی را نزد مادرش فرا می‌گرفت و به حفظ قرآن و دیوان حافظ علاقه زیادی نشان می‌داد. شروع تحصیلات متوسطه او هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول و تعطیلی مدارس فرانسوی زبان بیروت بود. از این رو به مدت دو سال در منزل به تحصیل پرداخت. پس از آن در کالج آمریکایی بیروت به تحصیلات خود ادامه داد. در سن ۱۷ سالگی لیسانس ادبیات، و در سن ۱۹ سالگی لیسانس بیولوژی گرفت. پس از آن در رشته مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فرانسوی مهندسی در بیروت فارغ‌التحصیل شد. در آن دوران با اشتغال در نقشه‌کشی و راه‌سازی، به امرار معاش خانواده کمک می‌کرد. او همچنین در رشته‌های پزشکی، ریاضیات و ستاره‌شناسی به تحصیلات دانشگاهی پرداخت. حسابی در دانشگاه سوربن فرانسه، در رشته فیزیک به تحصیل و تحقیق مشغول شد. در سال ۱۹۲۷ در سن ۲۵ سالگی نیز دانشنامه دکترای فیزیک خود را با درجه عالی دریافت کرد.

وی پس از یک عمر تلاش در عرصه‌های گوناگون علمی و فرهنگی، در ۱۲ شهریور ۱۳۷۱ هجری شمسی چشم از جهان فرو بست.



کیف مخصوص پول خرد و تعدادی دیگر از وسایل شخصی



کتاب‌هایی که دکتر ورق‌ورق آن‌ها را خوانده بود.



عینک‌هایی که یک عمر چشم‌های دکتر را در کاوش رازهای جهان یاری کرده‌اند.

برخی خدمات علمی و پژوهشی

- نقشه‌برداری فنی و تخصصی (راه بندرلنگه به بوشهر)
- اولین راهسازی مدرن و علمی ایران (راه تهران به دربندسر)
- پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری کشور
- پایه‌گذاری دارالمعلمین عالی (دانش‌سرای عالی)
- ساخت اولین رادیو در کشور
- راه‌اندازی اولین آنتن فرستنده در کشور
- راه‌اندازی اولین مرکز زلزله‌شناسی کشور
- راه‌اندازی اولین راکتور اتمی سازمان انرژی اتمی کشور
- راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران
- محاسبه و تعیین ساعت رسمی ایران به‌وقت گرینویچ
- پایه‌گذاری اولین بیمارستان خصوصی در ایران، به نام «بیمارستان گوهرشاد»
- مشارکت در تدوین اساسنامه طرح تأسیس دانشگاه تهران
- مشارکت در تأسیس دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مشارکت در تأسیس دانشکده علوم دانشگاه تهران
- مشارکت در تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران
- مشارکت در تأسیس پایه‌گذاری مرکز تعقیب ماهواره‌ها در شیراز
- ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی کشور
- تدوین اساسنامه و تأسیس مؤسسه ملی استاندارد

صمیمی‌اش بوده است. هر کدام از مهمانان صندلی مخصوصی داشته‌اند؛ میهمانانی چون استاد شهید مرتضی مطهری، علامه محمد تقی جعفری، استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر، دکتر عبدالعظیم قریب، ابوالقاسم حالت، فریدون مشیری و... در این جلسه اگر کسی غایب می‌شد، صندلی‌اش خالی می‌ماند و کسی حق نداشت روی آن بنشیند. چون آقای دکتر می‌خواست به دوستانش تأکید کند که وقتی نیستند، جایشان واقعاً خالی می‌ماند. در این اتاق یک صندلی متفاوت وجود داشت که نیم‌وجب بلندتر از بقیه بود و آقای دکتر آن را جداگانه برای استاد مطهری سفارش داده بود تا همه یادشان باشد که جایگاه ایشان در جلسه رفیع‌تر از سایرین است.

دکتر حسابی به سبب تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش به عنوان «پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران» را لقب گرفت.



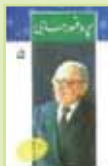
وسایل عکاسی و فیلم‌برداری دکتر



بخشی از وسایل شخصی و تقویمی که بعد از رفتن دکتر دیگر ورق نخورده است



مهندس محمود حسابی در حین انجام یک پروژه راه‌سازی



معرفی کتاب
پروفسور حسابی (زندگی نامه داستانی)
نوشته سیدمحسن گل‌دانشاز
انتشارات مدرسه



حاشیه نویسی دکتر روی یکی از غزل‌های حافظ

در این جلسات استاد مطهری و علامه جعفری ساعت هفت صبح یعنی دو ساعت زودتر از بقیه می‌آمدند تا مشورت نمایند که با کدام دانشمند بین‌المللی ارتباط برقرار کنند و او را با دین اسلام آشنا سازند. از همین جا بود که آن‌ها با **برتراند راسل**، فیلسوف معروف انگلیسی، مکاتبه می‌کردند و عقاید او را به چالش می‌کشیدند. در هر یک از این جلسات، استاد مطهری یک سؤال دینی به صورت مسابقه مطرح می‌کرد که جایزه‌اش معمولاً تسبیح، انگشتر یا کتاب بود. دکتر حسابی که همسرش فرزند یکی از روحانیون وارسته بود، با اجازه جمع اتاق را ترک می‌کرد تا درباره آن سؤال با همسرش مشورت کند. دکتر با این‌گونه رفتارهای سنجیده، هم موجب دلگرمی همسرش می‌شد و هم اعتبار علمی او را به دوستان گوشزد می‌کرد. یکی از ویژگی‌های دکتر حسابی، احترام و پایبندی او به آداب و رسوم بود. برای مثال، چه در ایران و چه در خارج از ایران، حتماً در ایام عید نوروز سفره هفت‌سین می‌چید و سعی می‌کرد دانشمندان و شخصیت‌های هم دانشگاهی خود را با این آداب و رسوم آشنا سازد.

خانه‌ای برای دوست‌داران علم

موزه پروفسور حسابی چند ماه پس از فوت وی، در اواخر سال ۱۳۷۱ به همت خانواده و یاران ایشان، ایجاد شد تا مکانی باشد برای حفظ آثار دکتر محمود حسابی و محیطی فرهنگی برای دوست‌داران علم، پژوهش و فرهنگ. این موزه در محله قدیمی «مقصودبیک» تجریش در شمال تهران قرار دارد. اشیای موزه شامل وسایل شخصی دکتر، از جمله پوشاک، عینک، شانه، خودکار، دفتر یادداشت و وسایل دست‌ساز وی، لوح‌های تقدیر و مدارک تحصیلی و علمی، مدال‌ها و نشان‌ها، عکس‌های خانوادگی و غیره است. در این موزه همچنین آثار اهدایی به دکتر حسابی، شامل تابلوهای نقاشی، تابلوهای خط، فرش و تمام آثاری که ایشان تألیف و ترجمه کرده است، نگهداری می‌شوند.